



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل ۴ کتاب مقدمات تدبر در قرآن

سوره مبارکه فلق



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	به نام خداوند هستی بخش مهربان
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ	بگو پناه می برم به رب فلک
مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ	از شر آنچه خلق کرده است
وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ	و از شر تاریکی هنگامی که گسترده می شود
وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ	و از شر دمندگان در گره ها
وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ	و از شر حسد کننده، آن هنگامی که حسد ورزد.

A vibrant field of various flowers including white daisies, purple irises, and pink blossoms, with a central text box.

بررسی واژه ها



<p>به معنای ابراز کردن آنچه انسان در درون خود دارد که می تواند با زبان، اشاره و یا هر نوع دیگری باشد.</p>	<p>هو إبراز ما فی القلب و إنشاؤه بأی وسیله کان قول (قل)</p>
<p>پناه بردن از تهدیدی که در روبه روی فرد است به سوی چیزی یا کسی که می تواند مصونیت از این تهدید را ایجاد کند.</p>	<p>هو التجاء الی شیء و اعتصام به من شرّ مواجه. عوذ (أعوذ)</p>
<p>رفع نواقص و حوائج شیء و سوق دادنش به سوی کمال.</p>	<p>سوق شیء الی جهة الكمال و رفع النقائص رب (ربّ)</p>
<p>به معنای شکاف همراه با آشکاری چیزی است در این صورت جدایی و انفکاک از وضعیت قبل و تمایل به وضعیت بعد در آن موضوعیت دارد. پس فلق عبارت از انشقاق و شکافتن با حصول جدایی در میان طرفین است و در شقّ، مطلق شکاف خوردن منظور است، خواه تفرّق حاصل بشود یا نه.</p>	<p>هو انشقاق مع حصول إبانة بین الطرفين. و النظر فی الشقّ الی حصول مطلق الانشقاق فی شیء سواء حصل تفرّق أم لا. فلق</p>
<p>در مقابل خیر است. خیر چیزی است که بر مبنای معیارهای عقلی انتخاب شده و به عنوان گزینه برتر گزینش می شود. شر چیزی است که همراه آن ضرر و سوء اثر و فساد وجود دارد.</p>	<p>هو ما یقابل الخیر، و قلنا فی الخیر: إنه عبارة عمّا یختار و ینتخب و یكون له رجحان و فضل. و الشرّ ما فیه ضرر و سوء اثر و فساد. شر (شرّ)</p>



خلق	هو إبداع شيء على كيفة مخصوصة.	به معنای پدیدار شدن بر کیفیت مخصوص است.
غسق (غاسق)	هو الظلمة النازلة المحيطة، سواء كانت في مادّي أو معنوی.	به معنای ظلمتی است که در محیط فرو می آید و بر آن مسلط می شود.
وقب	هو دخول شيء في محل.	داخل شدن در محلی را گویند.
نفث (نفّاث)	هو نفخ شديد من الفم فيه ريق قليل.	از نفث به معنای دمیدن شدیدی است که از طریق دهان بوده و همراه آن کمی آب دهان نیز هست.
عقد	انضمام جزئين أو أجزاء و شدّها في نقطة معینة، و يقابله الحلّ و هو فكّ العقدة، مادياً أو معنوياً.	به معنای گره یا پیوستن دو یا چند جزء با هم و محکم کردن آنها در یک نقطه است و مقابل آن واژه «حلّ» است که همان باز کردن گره مادی یا معنوی است.
حسد (حاسد)	أنّ الحسد من الصفات الذميمة، و یوجب التعب الشديد في نفسه دائماً، و هو یطلب زوال النعمة و التضرّر لصاحب النعمة.	حسد از صفات ناپسند است که سختی شدیدی را در نفس انسان ایجاد می کند و با طلب زایل شدن نعمت از صاحب نعمت و متضرر شدن او همراه است.

سایر نمونه‌ها	نمونه‌ای در خارج	واژه
		قول سخن گفتن.
		عوذ پناه بردن به محلی برای در امان بودن از خطر تهدیدکننده.
		رب مالک چیزی، آقای کسی، تدبیرگر و سیاست‌گذار.
		فلق سپیده دم
		شر فساد و ظلم
		خلق با استفاده از ابزار و مواد اولیه چیزی را به وجود آوردن.
		غاسق تاریکی ظلمانی شب
		وقب وقبه گودالی است در زمین که در آن آب جمع می‌شود و علتش این است که در واژه وقب، داخل شدن وجود دارد.
		نفت با دمیدن مقداری از آب دهان بیرون انداخته شود.
		عقد بستن ریسمان
		حلسد بدخواه

۱. اعراب سوره ۱

(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ) «قل» فعل امر و فاعل آن مستتر است و تقدیر آن «أنت» است و جمله «أعوذ» مقول قول یا مفعول است. أعوذ نیز فعل مضارع مرفوع و فاعل آن مستتر و تقدیر آن «أنا» است و «رب الفلق» متعلق به أعوذ و «من شر» متعلق به أعوذ است و «ما» اسم موصول و مضاف إليه است و جمله «خلق» صله و ضمیر عائد آن محذوف است؛ یعنی خَلَقَهُ بوده است و «ما» ممکن است مصدریه باشد.

(وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ) عطف بر قبل است و «إذا» ظرف است و جمله «وقب» در محل جر بوده و به إذا اضافه شده است.
(وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ) عطف بر قبل است و «فی العقد» متعلق به النفاثات است.
(وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) عطف بر قبل است.




تصویر سازی



در ناحیه پناه بردن و پناهگاه:

۱. سپیده‌دمی هست که انسان را به خروج از شب و تاریکی امیدوار می‌کند.
۲. نشانه‌هایی که بیان‌کننده گذر از وضعیت قبل و رسیدن به مرحله جدیدند.
۳. راهی برای گریز از مشکلاتی که انسان و جامعه با آن روبه‌روست.
۴. منفعت و کمالی که در اثر پناه بردن نصیب پناهنده می‌شود.



در ناحیه آسیب‌ها و شرور:

۱. آسیبی که از ناحیه کسی یا چیزی متوجه کسی شده است.
 ۲. تاریکی و ظلمتی که جاگیر شده و خود را به شدت چسبانده، گویی آمده است تا نرود.
 ۳. گره‌ای که در زندگی کسی افتاده و گویی آنقدر محکم است که نمی‌خواهد باز شود.
 ۴. فردی که دچار حسد دیگران شده به صورتی که از ناحیه آنها به شدت در آسیب و رنج و اذیت است.
- مشکلات زندگی وقتی به کسی رو می‌آورند یکی از چهار حالت فوق در آنها قابل رؤیت است. حال برخی از مشکلات زندگی خود یا دیگران را به یاد آورده و سوره را با توجه به تصویری که یافته‌ایم مطالعه کنید.^۱



گزاره نویسی



این مرحله ما را به مرحله تعقل نزدیک می‌کند؛ زیرا در صدیدیم تا گزاره‌های حقیقی قابل استناد را کشف و غرض سوره را که هدایت ما در گرو آن است، در قالب این گزاره‌ها کشف و مشاهده کنیم.

برای گزاره‌نویسی از سوره، از هر جمله و حتی کلمه‌ای و نیز از هر ارتباط میان جمله یا کلمه‌ای می‌توانیم گزاره‌هایی استخراج کنیم.

منظور از گزاره، جملاتی با اسناد خبری است که در فارسی از آن به نهاد و گزاره، در عربی به مسند و مسند‌الیه و در منطق به موضوع و محمول تعبیر می‌شود.

از آنجایی که گزاره‌های خبری در مورد هست و نیست‌ها خبر می‌دهند لازم است گزاره‌های سوره کاملاً منطبق بر دلالت‌های ظاهری سوره باشد. طبیعی است جملات خبری سوره خود گزاره‌هایی هستند که می‌توان با استفاده از آنها و تلفیق منطقی آنها به گزاره‌های جدید دست یافت. تلفیق این گزاره‌ها بر اساس علم منطق صورت گرفته و باید از هر گونه شائبه تفسیر به رأی منزه باشد.



قل اعوذ

۱. خداوند امر کرده است که پیامبر صلی الله علیه وآله بگوید که پناه می برد.
۲. پیامبر صلی الله علیه وآله نیز لازم است پناه ببرد.
۳. یکی از روش ها در سیره پیامبر صلی الله علیه وآله که برای تبعیت لازم است، پناه بردن از شرور است.
۴.
۵.



برب الفلق

۱. خداوند با وصف رب فلق به عنوان پناهگاه معرفی شده است.
۲. وصف رب فلق می تواند سر پناهگاه بودن آن و نیز علت پناه بردن را بیان کند.
۳. پناه به رب فلق، پناه به مدیریت و سیاست های وجودی بی نقص و محیط و قادر بر همه چیز است.
۴. پناه به رب فلق، در گرو توجه به ربوبیت الهی در همه مقاطع زندگی به ویژه مقاطع حساس است.
۵. فلق به معنای نشانه ای از حرکت به سمت نور و روشنایی در پناهندگی فرد مؤثر است.



من شر ما خلق

۱. آنچه مخلوق خداست می تواند برای انسان مایه شر شود و انسان است که مخلوق را برای خود، شرّ می کند.
 ۲. از آنجا که شرور بهانه‌ای برای پناه بردن انسان به ربّ فلق است، هر چیزی می تواند باعث بروز این بهانه باشد.
 - ۳.
-



و من شر غاسق اذا وقب

۱. ابهامات زندگی از مصادیق تاریکی‌ها و ظلمات است که لازم است از آسیب آن پناه برد.
۲. گناهان و لغزش‌ها از دیگر مصادیق تاریکی است.
۳. قبل از آنکه تاریکی‌ها ماندگار و طولانی شوند لازم است انسان به رب فلق پناه برد. وجود تاریکی خود نشان از ماندگاری آن دارد که برای حفظ از ماندگاری آن باید پناه جست.
۴. لطمه تاریکی‌ها پس از ماندگاری است که به صورت ویژه به انسان و جامعه وارد می‌شود.
۵. هر کسی لازم است مراقب باشد که خود و کارهایش از مصادیق «غاسق» نباشد.
- ۶.



و من شر النفاثات في العقد


۱. از آسیب‌های وارد بر انسان و جامعه دمیدن بر گره‌هاست.

۲. باز شدن گره‌هایی که نباید باز شود و بسته شدن گره‌هایی که موجب بروز مشکلات است، نمونه‌ای از آسیب‌هایی است که انسان و جامعه با آن روبه‌روست.

۳. برخی از افراد جامعه خواسته یا ناخواسته بر گره‌ها می‌دمند.

۴. هر کسی باید مراقب باشد که خود از دمندگان در گره‌ها نباشد.

۵.



و من شر حاسد اذا حسد

۱. تمایل، اراده و خواست برای از بین رفتن نعمتی از مصادیق حسد است.
۲. هر انسانی اگر مراقب خود نباشد دچار این آسیب خواهد شد. بنابراین اولین و مهم‌ترین مسأله در دوری از این آسیب، مراقبت از خود در مواجهه با این بلیه فردی و اجتماعی است.
۳. حسد ممکن است در وجود کسی شکل بگیرد ولی به ظهور نرسد. بنابراین با آشکار شدن نشانه‌هایی از آن لازم است از بروز آن جلوگیری کرد.
۴. کسی که دچار حسد می‌شود، از نشانه‌های آن می‌تواند متوجه آن شده و به رب فلق پناه ببرد. این پناه بردن باید توأم با به کارگیری مهارت‌هایی در مهار حسد کننده باشد.
۵. حسد را می‌توان از بیماری‌هایی شمرد که هم غاسق است و هم نفاثات؛ زیرا تاریکی و ظلمت است و در گره‌ها نیز می‌دمد.



گزاره های کلی

گزاره‌های کلی سوره

۱. این سوره در صدد تبیین آسیب‌هایی است که از همه طرف به فرد و جامعه وارد می‌شود و یا از ناحیه فرد و جامعه به دیگران وارد می‌شود.
۲. آسیب‌ها ابتدا خود را به صورت نشانه‌هایی ظاهر می‌کنند، از این رو قابل کنترل هستند.
۳. توجه به نشانه‌ها در شناخت، مهار و کنترل آسیب‌ها را می‌توان با واژه فلق مرتبط دانست.
۴. فلق نشانه حرکت در عالم خلق است. این حرکت در انسان منجر به کمال یا شقاوت خواهد شد. ولی بنای عالم به روشنایی، طلوع و کمال است. بنابراین حرکتی که باعث کمال می‌شود، در انسان غافل به شر منجر می‌شود.
۵. سوره ما را از دام‌های شرور به پناهگاه ربّ سوق می‌دهد.
۶. کسی که خود را در معرض شرور نداند از غافلین است.
- ۷.




گزاره‌های تفسیر المیزان درباره سوره مبارکه فلق^۱

- در این سوره به رسول گرامی خود دستور می‌دهد که از هر شر و نیز از خصوص بعضی شرور به او پناه ببرد، و این سوره به طوری که از روایات وارده در شأن نزولش بر می‌آید در مدینه نازل شده است.


قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

- مصدر «عوذ» که کلمه «اعوذ» متکلم وحده از مضارع آن است، به معنای حفظ کردن خویش و پرهیز دادن از شر از راه پناه بردن به کسی است که می‌تواند آن شر را دفع کند،
- و کلمه «فلق» (به فتحه اول و سکون دوم) به معنای شکافتن و جدا کردن است،
- [فلق] در صورتی که با دو فتحه باشد صفت مشبیه‌ای به معنای مفعول خواهد بود، نظیر «قصص» به دو فتحه (چون قصص به کسره اول و فتحه دوم جمع قصه است) که به معنای مقصوص یعنی حکایت شده، و یا نقل شده است و غالباً این کلمه بر هنگام صبح اطلاق می‌شود و فلق یعنی آن لحظه‌ای که نور گریبان ظلمت را می‌شکافد و سر بر می‌آورد.
- و بنابراین، معنای آیه چنین می‌شود: بگو من پناه می‌برم به پروردگار صبح، پروردگاری که آن را فلق می‌کند و می‌شکافد،
- و مناسبت این تعبیر با مسأله پناه بردن از شر که خود ساتر خیر و مانع آن است، بر کسی پوشیده نیست.^۲



مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ

- یعنی از شر هر مخلوقی، چه انسان و چه جن و چه حیوانات و چه هر مخلوق دیگری که شری همراه خود دارد،
- پس، از عبارت «ما خلق» نباید توهم کرد که تمامی مخلوقات شرند و یا شری با خود دارند، زیرا مطلق آمدن این عبارت دلیل بر استغراق و کلیت نیست.



وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

- در صحاح می گوید: کلمه «غسق» به معنای اولین مرحله از ظلمت شب است، وقتی گفته می شود «قد غسق الليل» معنایش این است که تاریکی شب فرا رسیده، و غاسق شب، آن ساعتی است که شفق سمت مغرب ناپدید شود.
- و کلمه «وقوب» که مصدر فعل ماضی «وقب» است، به معنای داخل شدن است.
- در نتیجه معنای آیه این می شود: و از شر شب وقتی که با ظلمتش داخل می شود.
- و اگر در آیه شریفه شر را به شب نسبت داده، به خاطر این بوده که شب با تاریکیش شریر را در رساندن شر کمک می کند و به همین جهت می بینیم شروری که در شب واقع می شود بیشتر از شرور واقع در روز است. علاوه بر این، انسان که مورد حمله شرور است، در شب ناتوان تر از روز است.^۱



- در آیه اول مطلق شر را ذکر کرد و در آیه دوم خصوص «شر غاسق» را یاد آور شد، و این خود از باب ذکر خاص بعد از عام است،
- [ذکر خاص بعد از عام برای این است] تا اهتمام بیشتر نسبت به خاص را برساند،
- و در این سوره بعد از ذکر شر عام، به خصوص سه شر اهتمام شده است: یکی شر شب وقتی داخل می شود و دوم شر ساحران و سوم شر حاسد، که مشغول توطئه می شود.
- و اهتمام بیشتر نسبت به این سه نوع شر به خاطر این است که انسان از این سه شر غافل است؛ یعنی این سه نوع شر در حال غفلت آدمی حمله می آورند.

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

- یعنی و از شر زنان جادوگر ساحر که در عقده‌ها و گره‌ها علیه مسحور می‌دمند و به این وسیله مسحور را جادو می‌کنند.
- و اگر از میان جادوگران، خصوص زنان را نام برد، برای این بود که سحر و جادوگری در بین زنان بیشتر است تا مردان،
- و از این آیه استفاده می‌شود که قرآن کریم تاثیر سحر را فی‌الجمله تصدیق دارد و نظیر این آیه در تصدیق سحر آیه زیر است که در داستان هاروت و ماروت می‌فرماید: «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»، و نیز نظیر آن، آیه‌ای است که سخن از ساحران فرعون دارد.^۲



وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

■ یعنی از شر حسود وقتی که مبتلا به حسد شده و مشغول اعمال حسد درونی خود شود و علیه محسود دست به کار

گردد. او ۲

مرحله سوم: تدبیر در سوره با نزدیک شدن به غرض آن

با توجه به آنچه گذشت می‌توانید در جمع‌بندی سوره^۱ به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱. منظور از شرّ در سوره چیست؟
۲. آیا شری که در سوره از آن سخن می‌گوید در خارج از انسان وجود دارد؟ چرا؟
۳. چگونه می‌توان از شرور یاد شده در سوره به رب الفلق پناهنده شد؟
۴. آیا تاکنون شاهد فلق چیزی بوده‌اید؟ چگونه می‌توان از آن بهترین استفاده را کرد؟
۵. در تحقق آرمان‌های الهی در یک جامعه، فلق چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ برخی از مصادیق پناه بردن به رب فلق را در این جامعه یادآور شوید.
۶. کدامیک از گزاره‌های سوره را به عنوان گزاره تعقلی، شناختی، توجهی و گرایشی انتخاب می‌کنید؟ آیا از آن گزاره می‌توان به عنوان غرض سوره یاد کرد؟



مرحله چهارم: طهارت برای تدبیر (ایجاد طهارت در خود از منظر یکی از موضوعات سوره)

برای محسوس شدن سوره و فهم بیشتر استعاذه می توان یکی از موضوعات سوره را انتخاب کرد. طبیعی است گاهی احساس می کنیم برخی از موضوعات سوره برای ما کاربرد بیشتری دارد و ما نسبت به عمل به آن محتاج تریم.

یکی از مسائلی که هر انسانی در طول زندگی خود با آن مواجه است موضوع حسد است. حسد به عنوان یکی از آسیب های اجتماعی در اثر توجه به نعمت ها و یا به عبارت دیگر احساس فقدان نعمت به وجود می آید^۲ و در واقع دلیل آن غفلت از نعمت هایی است که خداوند به فرد داده و اعتراض به اوست. این آفت از نقص در شناخت خداوند و فقدان ایمان به او ناشی می شود و دارای مراتب و درجاتی است.^۳



اگر حسود به موارد زیر توجه می‌کرد دچار این آفت نمی‌شد:

۱. توجه خود را معطوف به نعمت‌های به ودیعه نهاده شده می‌کرد و در مورد نحوه شکر آنها تأمل می‌نمود؛ زیرا خداوند تقدیرات و هدایت هر کسی را متناسب با امکانات و توان‌های خود او قرار داده است. از این رو شب و روز هر انسانی با انسان دیگر متفاوت است و خداوند برای همه فلق قرار داده و خود او رب فلق است. (طی شدن شب و رسیدن به روز) بنابراین توجه به فلق خود می‌تواند فرد را از دام حسد برهاند.
۲. به نعمت‌های آشکار شده دیگران توجه کرده، از آنها در کشف نعمت‌های خود استفاده می‌کرد و در صدد استفاده بهینه آنها برمی‌آمد. در این صورت نعمت‌های دیگران نیز نشانه و فلق برای او می‌شود تا به خودشناسی و خودآگاهی و شکر نعمت‌های خود برسد.



۳. اساساً انسان بین خود و دیگران فاصله‌ای نبیند، زیرا خیرات و نعمت‌های دیگران نعمتی برای اوست؛ چرا که حیات انسان حیاتی اجتماعی است و در این زندگی هیچ نعمتی انحصاری نیست.

۴. آسیب‌هایی که حسد می‌تواند به انسان و جامعه بزند به قدری مهلک است که توجه به بخشی از آن آسیب‌ها برای پرهیز از حسد کافی است. انسان این آفت‌ها را با نشانه‌هایش باید بشناسد و تا قبل از آنکه کار از کار بگذرد خود را نجات بدهد.^۱



حال اگر فردی دچار حسد دیگران شد باید چه کند؟

۱. حسد دیگران نباید او را از رساندن خیر به دیگران منع کند و باعث اشتباه، گناه و یا برخورد های غیر عاقلانه شود، زیرا

در این صورت است که دچار شر شده است.

۲. حسد دیگران او را باید متوجه نعمت های الهی به خود بکند، زیرا آنقدر نعمت آشکار بوده است که دیگران نیز فهمیده

و به او حسد برده اند پس سزاوار است با شناخت بهتر و ویژه تر آن نعمت ها قدر خود را بیشتر بداند. (بسیاری از

مواقع انسان با حسد حسودان می فهمد که نعمت دارد.) بنابراین حسود می تواند نقش یادآوری نعمت را برای انسان

و جامعه داشته باشد.



خدایا به درخشش نور بهاء عرش تو از دشمنانم خود را بپوشانم و به سطوت جبروت کمال عزتت از هر که نقشه برایم کشد در پرده شوم و به سلطنت بزرگ تو از شر هر مسلمان ستیزه جویی و هر اهریمن سرکشی پناهنده شوم، و نعمت‌های ریزان و عطای شایانت را ای مولای من جویایم، چگونه بترسم که آرزویم تویی و چگونه مورد ستم قرار گیرم که اعتمادم بر تو است، خود را به تو سپردم، و کارم را به تو واگذاردم، و در هر حالی به تو توکل دارم.

درود فرست بر محمد و خاندان محمد، و شفایم ده و کارم را کفایت کن و مرا بر هر کس که بر من پیروز شده پیروز کن، ای پیروزی که هرگز مغلوب نشود. من هر دیده‌بانی را که بر من دیده‌بانی کند و هر سرکشی را که سرکشی کند و هر حسودی را که حسودی کند و هر دشمنی را که دشمنی کند همه را [از خود دور کردم و] بانگ بر آنها زدم به وسیله «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. اینچنین خداوندی پروردگار ماست. خداوند ما را بس است و چه نیکو و کیلی است که نیرومند یاریگر است.»